

# آزادی در سایه قانون

علی قلمی امیری  
حدود آزادی در تربیت

۱۴

## اساس فکر در کنترل

اینکه، آزادی را مشروط و کودک را تحت کنترل می‌طلبیم بدان نظر است که :

اولا کودک در جنبه عقلی ضعیف است و تجارب زندگی او بهیچانی نیست که خود بتواند درباره همه امور تصمیم بگیرد. از این رو ضروری است در سایه عقل پدر و یا کنترل مربی، امور بنفع او و جامعه‌اش جریان پیدا کند.

ثانیاً اجتماعی که انسان در آن زندگی می‌کند نمی‌پذیرد که فرد تمایلات شخصی خود را بهر گونه‌ای که خواست اعمال نماید. برای رفع تزامم در حیات اجتماعی ضروری است که تمایلات شخصی در آستان تشکیلات اندیشیده اجتماعی، سر تسلیم فرود آورده، افراد، قوانین و مقررات

وجود آزادی لازمه پیدایش ابتکار و عاملی فوق‌العاده مهم در ایجاد و حفظ شخصیت است. والدین با رعایت آزادی کودک و نیز اعطای آن به طفل باید روح استقلال طلبی او را اکتان کرده و امکانش دهند که فعالیت مشروع خود را آغاز کند و خواسته‌های خود را اعمال نمایند. میل به آزادی و خود مختاری، میلی طبیعی و عاملی برای هدایت فرد بسوی ترقی و پیشرفت است. ولی در حال طفل باید به قواعد و اصولی اندیشیده مقید گرد تا از آزادی بگونه‌ای بی‌بندوبار استفاده نشود و گرنه آزادی با همه مزایایش آفتی بزرگ و بلائی خطرناک می‌شود. هم خود فرد را به بلا می‌افکند و هم دیگران را.

حاکم را پیروی نمایند.

از سوی دیگر باید بگوئیم که هدف وجود نظامات، منع از اعمال آزادی نیست بلکه فزونتر شدن آزادی است. معنی وجود قانون و نظام، از میان بردن نفوذ عوامل خارجی و منع‌های بیحساب و کلا اتخاذ رویه‌ای عقلانی برای زندگی بوده و رفع مانع برای حکومت عقل است. بر این اساس ما معتقدیم تنها کسانی که قوانینی مسلم و مشخص بر آنان حکومت می‌کند می‌توانند آزاد باشند.

### مبنای عقلی و دینی

اینکه سخن از محدودیت و کنترل بمان می‌آید دارای زمینه عقلی و مذهبی نیز می‌باشد. هم عقل و هم مذهب می‌گویند آدمی مادامی آزاد است که آزادپیشی موجب لطمه‌ای بر آزادی دیگران نباشد، از مسیر عدالت منحرف نشود، اعتبارات اجتماعی افراد ملحوظ باشد، خیانت و حیانتی در سایه آن وقوع پیدا نکند، آزادی مبتنی بر عقل و اراده باشد.

اصولا مذهب، کودک ممیز را در سن محدود میکند و با جعل حد «تعزیر» جلوی بسیاری از کارهایش را میگیرد، ضوابطی برای رفتار او معین مینماید، در جنبه عمل نیز نمیتوانیم بپذیریم که کودک آنچنان آزاده باشد که اصلا بحدوسه نرود، تمرین معلم و کلاس را انجام ندهد، تبلی کند به ارضای خواسته‌هایش بپردازد. پس آزادی، بمنهم پشت کردن به قانون، پناه بردن به قلمروی آینده‌آل، بدون در نظر گرفتن قوانین و اصولی استوار، عدم رعایت حدود و اعتبارات جامعه نمی‌تواند مورد تأیید

باشد.

### منبع قانون جهت تحدید:

پرسش این است قانون و نظامی که بر اساس آن کودک را تربیت میکنیم از کجا استخراج شود و از کجا منشاء گیرد؟ پاسخ اینست که در این مورد دو نظر وجود دارد: نظری که میگوید قانون از اجتماع و از خواست اکثریت استخراج گردد و نظری که میگوید قانون از مذهب منشاء میگیرد. ما معتقدیم که دید اجتماع در همه موارد صحیح نیست از آن بابت که آینده نگری آن ناقص است، مصون از خطا و اشتباه نیست، مصلحت عامه را در نظر میگیرد، همه گاه در خدمت بشریت نیست و اغلب بازیچه حوادث میشود بناچار قوانین و انتظامات در همه زمینه‌ها و از جمله در سیاست، اجتماع، تربیت، اقتصاد باید از مذهب ریشه بگیرد از آن بابت که خداوند خیر و مصلحت بندگان را در نظر میگیرد، نسبت به بندگان در وعظوفت دارد، حفظ صلاح و مصلحت جمع مورد نظر است، آینده نگری آن کامل است و از خطا و لغزش در آینده نگری دور و برکنار است، خالق بشر به همه مسائل و ابعاد وجودی ما آگاه است و خیر ما را می‌طلبد، پس چه بهتر که مقررات و دستورات او را بر همه مسائل زندگی افراد حاکمیت دهیم. البته این پذیرش مانع از آن نیست که در مواردی آداب و مقررات و سنن اندیشیده اجتماعی را هم که در عرض قوانین مذهب نیست بپذیرا کردیم.

### قانون در خانه

بنانه برای کودک خانه است نه سر باز خانه

می‌کند. اصول و مبانی زندگی صحیح در ضمن این آموزشها به کودک تفهیم و راه رسم آینده‌اش در اجتماع قانع‌کننده‌تر در شن‌تر می‌شود.

### حدود توقع والدین

توقمی که والدین از کودکان خود در جنبه رعایت و اجرای مقررات خانه دارند باید 'ندیشیده و مشروط باشد نه بی‌حساب و مطلق کودک نمی‌تواند مقررات خانه را چون سر بازی در سر باز خانه رعایت کند، او باید مزه آزادی، آسایش، امنیت را بخصوص در هفت سال اول زندگی نیکو بچشد و این خود زمینه‌ای برای آزادی‌خواهی او در سنین بالاتر باشد.

تحویل قواعد و مقررات سنگین گاهی باعث افسردگی و دل‌سردی و زمانی ترمرد، عصبان و طغیان می‌شود. بدیهی است که در هر دو صورت انتظارات والدین بر آورده نخواهد شد، ضمن اینکه کودکی بجای ساختن، ناسازگار بارآمده است.

طفل در خانه باید تمرین آزادی کند، همانگونه که آدمی تمرین شنا و رانندگی می‌کند. در این تمرین گاهی تلاش مثبت و زمانی منفی است، گاهی اعمالش روا و زمانی نارواست. در مسائل جزئی و دو آنجا که خطایش قاحل نیست نباید متعبر خشخاش گذاشت و بر او سخت‌گیری کرد.

### در سوء استفاده‌ها:

این نکته را ناگفته نگذاریم قانونی که والدین برای خانه تهیه می‌کنند باید بر خودشان نیز حاکم باشد و ضمن اینکه کودک را به پای بندی بدان می‌خوانند خود نیز بدان پای بند باشند. در آنچه که کودک را محدود می‌کنیم

در عین حال ضروری هست که آن تابع نظم و مقررات خاصی باشد تا کودک بداند که از چه اصول و ضوابطی باید تبعیت کند؟ قوانین و نظام حاکم بر خانه باید عادلانه و قابل تبعیت باشد. یعنی در آن تبعیضی موجود نباشد. قابل تبعیت باشد یعنی بردوش کودک زهادستگینی نکند و او تحمل آن را برای خویش مصیبتی نشانسد.

درست است که در خانه قوانینی حاکم است ولی کودک نباید در آن احساس خوف و هراس کند و با شدت قانون باندازه‌ای نباشد که او احساس کند امنیت خود را از دست می‌دهد. وانگهی باید به کودک تفهیم شود که وجود قانون مایه نظم و انضباط است نه انتقام‌گیری.

### ضرورت آگاهی دادن به کودک

بیش از هر اعمال نظر و نشان دادن عکس‌العملی در برابر کودک، باید صوابی را در خانه معین و کودک را به آن آگاه کرد. می‌خواهیم بگوئیم امر و نهی ما مؤاخذه‌ها و او پاداش‌ها به هنگامی مفید و مؤثرند که کودک بدانها آگاهی داشته باشد و حتی در صورت امکان راز آنها را درک کند. بعبارت دیگر عزیز آنست در هر خانه‌ای پرچم آزادی افراشته ولی بروی نوشته باشد که افراد خانواده در ایجام چه اعمالی آزاد نیستند. البته تلاش والدین باید متوجه این امر باشد که کودکان در عین آزادی، از روی آگاهی قانونی را بپذیرد. زیرا امتها در سایه شناخت است که آزادی رنگ می‌گیرد. این امر در عین نوآیدی که برای زندگی شخصی کودک و اعضای خانواده دارد، زمینه‌ای برای زندگی اجتماعی و پذیرش قواعد و مقررات حاکم بر جامعه نیز فراهم

برخواسته‌ها و هوسهای بی‌حساب کودکان  
باید لجام‌گذار و در برابر آن کاملاً (بدون  
اعمال خشونت) باید مقاومت کرد. در این  
امر باید روش ثابت و مقاومی اتخاذ گردد  
جزای سوء استفاده از آزادی و عدم رعایت  
شوئن و مقررات باید کیفری در پی داشته  
باشد که حدود آن در مواردی در شرع  
معین شده و در دیگر موارد والدین باید آن  
را رعایت و اعمال کنند.

اگر اندیشیده و از روی حساب است باید با  
لعنی قاطع باشد بطوری که عدول از آن  
و با لغو آن روا نباشد. زیرا در غیر این-  
صورت طفل درمی‌یابد که می‌تواند در  
مواردی، با پافشاری‌ها و لجاجت‌ها، یا با  
اعمال نظرهائی حرف خود را بکرمی بنشانند  
و کنترل‌ها را بشکنند. این امر بدآموزی  
بزرگی برای اوست و بهنگامی که با چنین  
روشی رشد کند اصلاحش امکان ناپذیر  
خواهد شد.

### بقیه : عدالت در سفر گفتن .

دیگران پرهیز می‌کنند ، ولی اگر به‌عللی خرد آنان مغلوب گردد و حقی را بایمال نمودند ،  
وزمانی از روی آن گذشت ، فکر می‌کنند که مرور زمان حق را از میان می‌برد .  
در حالی که امیر مومنان با چنین پندار سخت مبارزه می‌کند و می‌فرماید :

#### الحق القديم لا یبطله شی

حق افراد را ، چیزی از بین نمی‌برد

در احادیث اسلامی پیرامون آداب قاضی و نحوه نگاه کردن و سخن گفتن او بامتداعیان  
روایات ارزنده‌ای وارد شده است ، امید است در فرصت دیگران به تشریح آنها بپردازیم .

با این شماره ، سال ۱۹ مجله مکتب اسلام پایان می‌یابد و همزمان با آغاز  
پانزدهمین قرن بعثت پیامبر اسلام (ص) از شماره آینده با دگرگونیها و تغییرات ویژه  
و در خور این قرن شگوهمند و شایسته انقلاب اسلامی ملت ایران ، بیستین سال حیات  
خود را آغاز می‌کند .